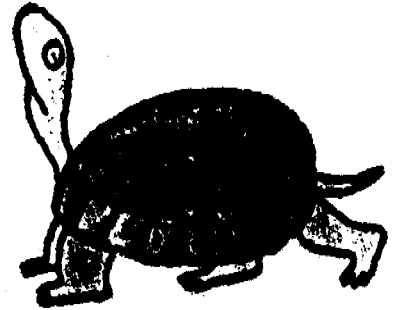


خصلت‌یگانه خواب‌های آدولف

The Single Nature of Adolf's Dreams

درباره آدولف بورن، کاریکاتور‌یست،
تصویرساز و انیماتور

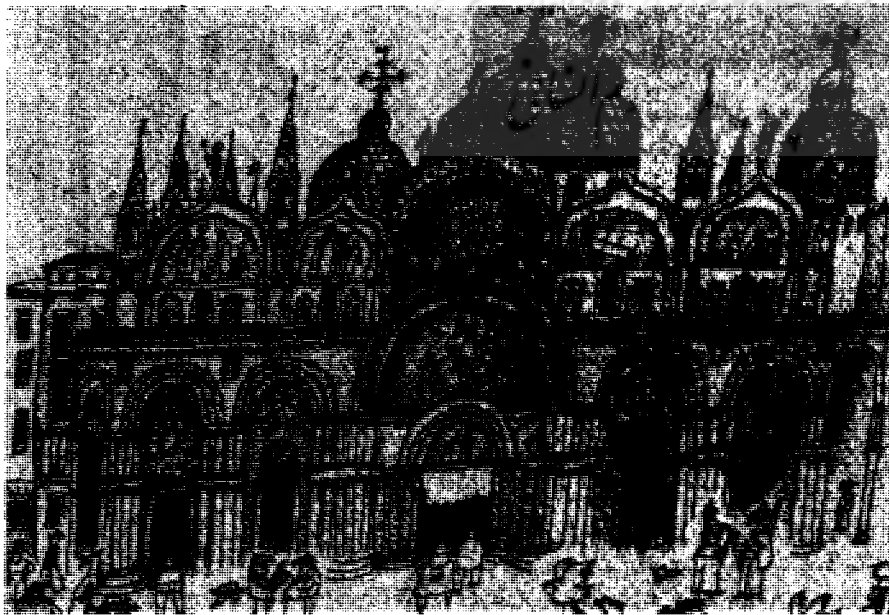
محمدعلی بنی‌اسدی



استاد ایستاده بود و با لبخندی ورود مرا به کلاس خوش‌آمد گفت. هنرجویان بسیار با نظم و ترتیب بر روی نیمکت‌ها نشسته بودند و دیوار پوشیده از تابلوهایی از آثار استاد بود که در ردیف‌های منظم چیده شده بودند. من به طرف تابلوها رفتم و به خودم اجازه دادم به آنها دست بزنم. تا به حال آثار استاد را تنها در مجله آلمانی زبان «نیشبالتر» دیده بودم و یافتن آثارش برایم بسیار مجذوب‌کننده بود. حالا با سائیدن دست بر روی آنها سعی در فهمیدن تکنیک کارش داشتم.

صدای بابا...بابا، ناگهان مرا از رؤیا متوجه فضای واقعی کرد. تلاش کردم به روی خودم نیاورم و خواب را ادامه دهم که تکان‌های دست پسرم که یکسال و نیم داشت، مرا راحت نگذاشت. خواب‌آلوده به او گفتم برو دارم خواب می‌بینم. روز دوم عید بود و من می‌توانستم تا هر ساعتی که می‌شود، بخوابم و خواب ببینم، ولی صدای استمداد مرا کسی نمی‌شنید که می‌گفتم یکی بیاد اینو ببره. دارم خواب می‌بینم.

نشستم و کمی عصبانی با حالتی از رنج به پسرم خیره شدم. او حتماً موقعیت مرا که از کشف رمز تکنیکی آدولف بورن در مانده و فرصت را از دست داده بودم، در نمی‌یافت. یادم آمد که پس از تلاش برای به دست آوردن ویزای چکسلواکی (آن موقع هنوز تبدیل به دو کشور نشده بودند) از طریق وزارت امور خارجه، برای رفتن به سفر تعلل کرده بودم؛ سفرم مصادف شده بود با تولد اولین فرزندم (همین موجودی که مرا در خواب هم از لذت دیدار آدولف بورن محروم کرد).



سعی کردم با به یاد آوردن ماجرای فیلم «یاوه» انیمیشن زیبای آدولف بورن که در جشنواره فیلم کودک و نوجوان تهران برنده جایزه اول شده بود. کمی خودم را تسلی دهم؛ هرچند تمامی اش به خاطر نمی‌آید و حسرت دیدار دیگر هم به محال پیوسته بود. داستان کودکی که به جای درس خواندن خیال می‌بافت و از ترس پدر سر در کتاب درس دارد. ولی حباب‌های زیبای ذهنش آرام آرام از پنجره به بیرون پرواز می‌کنند. مردی صاحب‌ذوق از کنار پنجره می‌گذرد و خریدار آن‌ها می‌شود و پول خوبی می‌پردازد. پدر آرام آرام وسوسه می‌شود که پسر را به این کار وا دارد چون سود خوبی دارد. این بار پسر به اجبار مشغول خیال‌بافی است، ولی حاصلش زمخت و هندسی است، بدون آن‌که از لطافت دالبرها و منحنی‌های قبلی اثری باقی‌مانده باشد؛ «یاوه».

آدولف بورن متولد ۱۹۳۰ و دانش‌آموخته آکادمی هنر پراگ است. بسیار زود کار حرفه‌ای‌اش را آغاز می‌کند و با ذهن ظریف و نکته‌سنج و تکنیک زیبایی‌شناسی بسیار مؤثری را در دنیای گرافیک برای خود رقم می‌زند. حیطه آفرینش او گسترده است: تهیه فیلم‌های کوتاه انیمیشن، تصویرسازی برای کتاب‌های کودک و نوجوان و ساختن کاریکاتور. رشته پیوند همگی این آثار طنز درخشانی است که به‌طور سیال در سراسر کارهایش موج می‌زند.

آدولف بورن در طراحی‌های سیاه و سفید با صبر و حوصله و نظم دقیق فضایی می‌آفریند شاد و سرخوش، بی‌آن‌که این دقت در پرداخت را به بیننده تحمیل کند و یا بخواهد قدرت‌نمایی سازنده اثر را به نمایش بگذارد. تعدد بافت‌ها و تنوع خط‌های کناره خیر از دلمشغولی طراحی دارد که می‌تواند به آسانی از ظرایف موجود در خط (از نظر تکنیکی) به خوبی استفاده کند. البته او در کارهای رنگی‌اش نیز از ما به ازای رنگی این نقطه‌چین‌ها و هاشورزدن‌ها استفاده می‌برد. استفاده از فوتک و افشانه‌های مختلف و خطوط کناره‌ای که با قلم موی خیس به درون اثر روان می‌شود، فضایی خاص می‌سازند که بیننده را به راحتی به درون اثر دعوت می‌کند تا بتواند به سیر و سیاحتی تمام‌نشدنی بپردازد. خصوصاً آن‌که اغلب آثار آدولف بورن پر از گوشه و کنایه‌های تصویری است و بیننده می‌تواند هر لحظه اتفاق تازه‌ای را کشف کند که در گوشه‌ای پنهان شده است.

او در اغلب آثارش که به تصویرسازی بزرگسالان مربوط می‌شود، شلوغی بی‌حدی را به نمایش می‌گذارد. اندام‌های انسان و حیوان





و اشیای چنان در هم تنیده می‌شود که در کل یک پیکره را می‌سازند. این کارناوال گونه از گوشه‌ای به گوشه دیگر کادر کشیده می‌شود و در کنار هایش اتفاقات ریزی می‌افتد که برای خود سوژه‌های مستقل ولی کوچکی دارند. این ویژگی‌هاست که به آثار بورن خصلتی یگانه می‌بخشد.

برای کسی که دست به ساختن فیلم‌های انیمیشن می‌زند، طراحی یک اصل عمده است؛ چه در ساختن تصاویر کلیدی و شخصیت‌ها و چه در تکرار آن‌ها برای جان بخشیدن و به حرکت درآوردنشان. آدولف بورن استاد طراحی است و جانمایه آثارش را اغراق‌های ساده‌ای تشکیل می‌دهد که به راحتی یک گوریل یا یک شیر یا میمون را به موجوداتی تبدیل می‌کند که هر چند خصلت خود را دارند، ولی امضای طراح را هم با خود به همراه می‌برند و این شاید مهم‌ترین خصلتی باشد که یک هنرمند بتواند به سادگی و تنها با یک چرخش ساده، فضای پیرامون خود را آن‌گونه که می‌خواهد، شکل دهد.

بی‌اغراق، باید گفت آدولف توانسته دنیای خاص خود را خلق کند، به آدم‌های عجیب و غریب و کولی‌وش که سرخوشانه حتی با خبث طبیعت در حال پرسه‌زدن در درون کادرهایی‌اند که محدوده‌اش را او تعیین کرده است. در این میان، حیوانات چندوجهی‌اش به سرگرمی‌های خود دلخوش‌اند و همنشینی با آدمیان را تاب می‌آورند. دنیای خاصی که مهم‌ترین ویژگی‌اش طنز است، طنزی شاد که از فضای هموطن عبوسش کافکا بسیار دور است، هرچند که همولایتی بودن را فریاد می‌زند.





پروژه کلاس اولی و مطالعات فارسی
پایتخت کلاس اولی